

## شرح رساله حقوق امام سجاد(ع)

عرض شد همه حقوق برمی‌گردد به خداوند تبارک و تعالی و او منشأ همه حقوق است؛ منتهی اینکه خداوند تبارک و تعالی منشأ حقوق است و همه حقوق از ناحیه او به نحو مستقیم یا غیرمستقیم ناشی می‌شود، معنایش این نیست که این بی‌ضابطه و بی‌ملاک است. عرض کردیم ملاک جعل حق از ناحیه خداوند، یک بخشی مربوط می‌شود به نسبت‌های خاصی که انسان‌ها با یکدیگر دارند. یک فاعلیت‌ها و تأثیرگذاری‌هایی که در زندگی اجتماعی انسان‌ها نسبت به هم پیدا می‌کنند؛ از پدر و مادر و برادر گرفته تا همسایه و همسفر و همه مواردی که به عنوان صاحبان حقوق شناخته می‌شوند. بالاخره بخش اعظم حقوق درباره روابط بین انسان‌ها و تأثیرگذاری‌هایی است که نسبت به یکدیگر دارند. بالاخره حیثیت ابوت یا حیثیت امومه (پدری و مادری) هر کدام به لحاظ تأثیری که در تکون فرزند دارند، یک حقوقی را ایجاد می‌کند.

### تلازم حق و تکلیف

همواره هر حقی ملازم با یک تکلیف است؛ بالاخره وقتی یک حقی برای کسی و به نفع کسی و علیه دیگری جعل می‌شود، این معنایش آن است که یک طرف به واسطه این حق منتفع است و طرف دیگر یک تکلیفی نسبت به او پیدا می‌کند. تلازم بین حق و تکلیف به دو نحو قابل تحقق است:

نوع اول: یک بخشی از آن این است که وقتی مثلاً گفته می‌شود پدر یک حقی بر فرزند دارد، معنایش آن است که فرزند یک تکلیفی دارد؛ جعل حق به نفع یک نفر ملازم با تکلیف بر شخص دیگر است و الا اساساً جعل حق معنا ندارد. مثلاً اگر بگویند پدر بر فرزند این حق را دارد اما از آن طرف به آن کسی که باید رعایت این حق را کند، تکلیف و حکمی نکنند، چه لزومی دارد که او مبادرت به رعایت این حق کند؟ فرض کنید بگویند حق پدر یا حق مادر بر فرزند این است؛ این یعنی یک اعتباری شده، یک امتیازی در نظر گرفته شده و منشأ آن تأثیرگذاری‌های مستقیم طبیعی و غیرطبیعی نسبت به فرزند است. اما در عین حال فرزند هیچ تکلیفی نداشته باشد، چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟ بله، اگر ما حق را صرفاً به عنوان یک امر اخلاقی ببینیم، این امر اخلاقی محرکیت لازم برای عمل به حق را ندارد. در صورتی این محرکیت پیش می‌آید که الزام و حکم پشت آن باشد؛ یا حکم الزامی یا حکم غیرالزامی که متعلق آن رجحان دارد. به عبارت دیگر این دو یکدیگر را همپوشانی می‌کنند؛ اگر جعل حق به همراه جعل تکلیف بر آن کسی که حق علیه او جعل می‌شود نباشد، واقع مطلب این است که انگیزه و تحرک کافی برای رعایت حقوق نخواهد بود.

البته یک عده‌ای می‌گویند ما باید انسان‌ها را به مرحله‌ای از معرفت و باور درونی برسانیم که خود به خود به سوی فضیلت‌ها تحریک شوند. امر و تکلیف فایده‌ای ندارد. اینجا یک بحث‌های مفصلی است که ما نمی‌خواهیم وارد آنها شویم. اما به نظر می‌رسد که این حرف درست نیست. آنچه گفته شد یک نگاه جامع و کاملی است که ضمن جعل حق، قوانینی تشریح شود که به مدد رعایت حقوق بیاید و باعث شود که این حقوق توسط دیگران رعایت شوند و محترم شمرده شوند. بالاخره اگر خداوند بر رعایت و عدم رعایت این حقوق، بهشت و جهنم را به عنوان وعده و وعید بیان نکند، چه مقدار انسان‌ها این حقوق را رعایت می‌کنند؟ این همه مجازات‌های دنیوی برای حقوق موضوعه بشری ذکر می‌شود اما انسان‌ها باز هم به حقوق هم تجاوز می‌کنند. اگر قرار باشد این تکالیف نباشد، به نظر می‌رسد تا حدود بسیار زیادی اصلاً جعل حق، لغو می‌شود.

پس همواره هر حقی که برای مَنْ له الحق قرار داده می‌شود، ملازم با یک تکلیفی است نسبت به مَنْ علیه الحق. این یک عرصه ملازمه بین حق و تکلیف است.

نوع دوم: یک عرصه دیگری هم برای ملازمه وجود دارد و آن این است که وقتی یک حقی به نفع کسی در جامعه جعل می‌شود و اعتبار می‌شود، به ازای این حق یک تکلیفی برای خود او اثبات می‌شود. یعنی مثلاً فرض کنید یک کسی حق حیات دارد، حق آموزش دارد، حق مسکن دارد؛ (حقوقی که به عنوان حقوق طبیعی از آن نام می‌برند)، به ازای این حقوقی که در جامعه برای انسان‌ها قرار داده می‌شود، یک تکلیفی هم به خود اوست و آن تکلیف این است که او نیز نسبت به جامعه یک مسئولیت‌هایی دارد که باید عمل کند. باید نفع برساند و به دیگران خدمت کند و براساس یک چهارچوب تعامل داشته باشد.

پس هر حقی دو طرف دارد؛ یکی من له الحق و یکی من علیه الحق. اثبات و جعل حق همواره با یک تکلیفی بر من له الحق و یک تکلیفی بر من علیه الحق همراه است. این ملازمه وجود دارد. کسی که حقی برای او پیدا می‌شود، یک تکلیفی هم به گردن اوست؛ اگر پدر حقی بر فرزندش دارد، در عین حال یک تکالیفی هم نسبت به فرزند دارد. در حقوق متقابل معمولاً اینطور است. پس من له الحق اگر حق دارد، یک تکلیفی هم روی دوش خودش هست. دوم اینکه من علیه الحق در برابر حقی که برای من له الحق قرار داده می‌شود، یک تکلیفی هم برای رعایت حقوق بر دوش اوست و الا اگر این تکلیف بر من علیه الحق نباشد، جایی برای تشریح و جعل حق باقی نمی‌ماند و امر لغوی می‌شود.

نکته دیگر این است که اصلاً این حقوق برای چه جعل شده است؟ چرا خداوند این حقوق را جعل کرده است؟ این را جلسه بعد عرض خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»